

واپسین راوی بزرگ شیعه

درباره زندگی، آثار و شخصیت حاج شیخ عباس قمی معروف به محدث قمی

رضا مسعودی

مرحوم علامه محمد قزوینی در یکی از یادداشت‌های تاریخی خود با عنوان «وفیات معاصرین» درباره حاج شیخ عباس قمی می‌نویسد:

«از اعظام فضلا و مورخین و متنبیین عصر حاضر، از شاگردان مرحوم حاج میرزا حسین نوری، تولدش در دهه آخر قرن سیزدهم هجری قمری در نجف اتفاق افتاده و او صاحب تألیف عدیده نفیسه است؛ از جمله سفینه البحار در دو جلد و الکنی و الانقلاب در سه جلد و هدیه الاحیاب که کتاب کوچکی است در الکنی و الانقلاب، فوائد الرضویة در تراجم علماء مذهب جعفری که به تازگی یک جلد آن به طبع رسیده و تتمه المنتهی فی وقایع ایام الخلفاء در دو جلد. وی در روز چهارشنبه بیست و سوم ذی‌الحجه سنه هزار و سیصد و پنجاه و نه در نجف اشرف مرحوم شد»^۱.

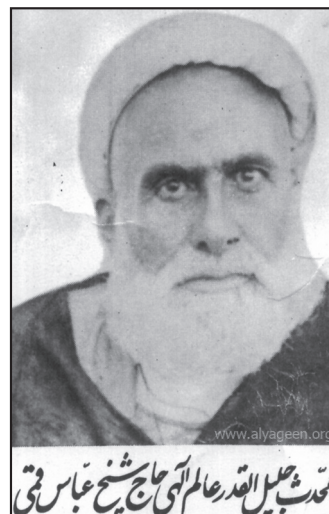
این تجلیل علامه فقید، در فضای فکری سال ۱۳۲۸ هجری شمسی، به‌تنهایی برای درک مقام شیخ عباس قمی کافی است و اگر کلمات و عبارات پر تعداد دانشوران و علمای معاصر و متأخر وی را در این باب گردآوریم، دانش‌نامه‌ای از ارادات و تجلیل و ستایش فراهم خواهد آمد. ستایش‌هایی که حقیقتاً برازنده آن دانشی مرد با ایمان و محقق بوده و هست. در این جا ما براساس منابع محدود موجود، شرحی کوتاه از احوال، و اسفار و آثار محدث قمی را نگاشته‌ایم که مقدمه‌ای بر شناخت آن استاد روحانی و علام ربّانی قرار گیرد. منتها چون بخشی از شرح احوال و آثار وی به قلم خود وی در دست است، و این مهم‌ترین و دقیق‌ترین منبع تحقیق تواند بود، به‌رغم اختصار، غنیمتی ارزشمند است و شایسته ذکر در این جا؛ لذا ما نیز به همان ابتدا می‌کنیم.^۲

صاحب تذکره علماء معاصرین نوشته است:

«حاج شیخ عباس قمی، متوفی سنه ۱۳۵۹، حسب استدعای حقیر این جمله را ترجمه خود از ارض اقدس رضوی صلوات الله و سلامه علیه انفاذ داشته‌اند:

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله و سلام علی عباده الذین اصطفی. عبد اثیم عباس بن محمدرضا بن ابی القاسم عفی الله عنهم گوید: سؤال کردی از من ایدک الله تعالی که احوال و ترجمه خود را برایت بنویسم. اینک مسئلت تو را اثبات می‌کنم ان شاء الله و ملخصاً می‌نگارم:



من در حرم اهل بیت علیهم السلام قم المحمیه، در عشر آخر از مائه ثلثه بعد الالف متولد شده‌ام. در بلدة مذکوره الى سنه ۱۳۱۶ به تحصیل علم اشتغال ورزیده، بعد به نجف اشرف مشرف شدم. پس خداوند متعال بر من منت گذارد به ملازمت شیخنا الاجل الاعظم، و عمادنا الارفع الاقوم، صفوة المتقدمین و المتأخرین، خاتم الفقهاء و المحدثین، سحاب الفضل الهائل، و بحر العلم الذی لایساحل، مستخرج کنوز الاخبار، محیی ما اندرس من الآثار، ذوالفیض القدسی، ثقة الاسلام النوری الطبرسی انارالله برهانه و اسکنه بحبوحه جنانه، و خاتمه مستدرک را برای او استنساخ می‌کردم که بفرستد به ایران برای طبع.

و در خدمت او بودم تا سنه ۱۳۱۸، پس خداوند متعال حج بیت‌الله الحرام و زیارت قبر حضرت سید الانام علیه و آله آلاف التحية و السلام را عنایت فرمود، و پس از اداء حج و فراغ از زیارت از طریق فارس به بلدة قم برای زیارت سیدتنا فاطمه بنت موسی بن جعفر علیهم السلام که وعده بهشت در زیارت او وارد شده و تجدید عهد با والدین، مراجعت کردم.

و ایام قلیله مانده به مشهد مولایم امیرالمؤمنین علیه السلام مسافرت نموده، ملتزم خدمت شیخی العلامة النوری نورالله مرقده گشته، در مقابله مستدرک و کشف الاستار و استنساخ لؤلؤ و مرجان و تصنیف تحية الزائر و غیر ذالک مساعدت نمودم، تا در این بین که از جنابش استفاده می‌کردیم، غراب بین [جغد] آواز داد و روزگار بساط زندگانی آن عالم ربّانی را از بسیط زمین برچید و در سنه ۱۳۲۰ هجری به رحمت حق پیوست.

و در خلال استفاده من از آن بزرگوار استجازه نمودم که مرا به روایت مؤلفات اصحاب رضی الله عنهم اجازه مرحمت فرماید. پس به من منت گذارده، و در اواخر ایام حیاتش مسئلت مرا قبول فرموده اجازه دادند که مؤلفات اصحاب را قدیماً و حدیثاً در تفسیر و حدیث و فقه و اصولین و غیرها از آنچه اجازت دارد، روایت آنها را به طرق معهوده او از مشایخ عظام که در خاتمه مستدرک مشروحاً مذکور است و برای او صحیح است، روایت کنم.

بعد از وفاتش، دو سال در نجف اشرف مانده به دارالایمان قم مهاجرت کرده تا در سنه ۱۳۲۹ آن جا بودم، پس دوباره به حج مشرف شده، به قم برگشتم، تقریباً دو سال آن جا مانده، بعد به مشهد مولانا الامام المعصوم ابوالحسن الرضا علیه السلام مهاجرت کرده تا امسال، سنه ۱۳۴۶ هجری که در این مکان شریف هستم.

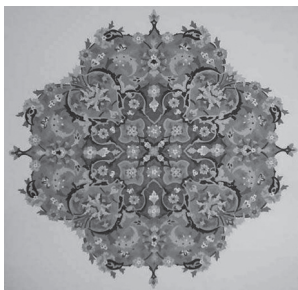
در خلال این حال مکرر به زیارت ائمه عراق علیهم السلام و سوم بار به زیارت بیت‌الله الحرام مشرف شدم، و عمرم از پنجاه گذشته، و کثیری از زندگانیم در اسفار و انقطاع از کتب و صحف گذشته، با وجود این کتب کثیره از من بروز کرده است. و ختم می‌کنم کلام را به تمثّل این ابیات:

از روش این فلک سبز فام / عمر فزون گشته ز پنجاه عام
در سر هر سالی از این روزگار / خورده‌ام افسوس خوشی‌های پار
باشدم از گردش گردون شگفت / کانچه مرا داد، همه پس گرفت
قوتم از بازو و زانو برفت / آب ز رخ، رنگ هم از مو برفت
عقد ثریای من از هم گسیخت / گوهر دندان همه یک یک بریخت
آنچه به جا ماند و نیابد خلل / بار گناه آمد و طول امل
بانگ رحیل آمد از این کوچ‌گاه / هم‌سفران روی نهاده به راه
آه ز بی‌زادی و روز معاد / زاد کم و طول مسافت زیاد
بار گران بر سر دوشم چو کوه / کوه هم از بار من آمد ستوه
ای که بر عفو عظیمت گناه / در جلوی سیل بهار است کاه
فضل تو گر دست نگیرد مرا / عصمت آر باز گذارد مرا
جز به جهنم نرود راه من / در سقر انداخته بنگاه من
بنده شرمنده نادان منم / غوطه زن لجه عصیان منم
خالق بخشنده احسان تویی / فرد و نوازنده به غفران تویی

کتابه بیمنه الوازره: عباس بن محمد رضا القمی عفی عنه. سنه ۱۳۴۶ هجری.^۳

مرحوم دوانی، از تکمله کوتاه دیگری، ملحق به زندگی‌نامه مختصر فوق نقل کرده است بدین شرح:

«شرح حالی است با همین مضمون که گذشت و در مشهد و همان سال نوشته است ۱۳۴۶، ولی به زبان



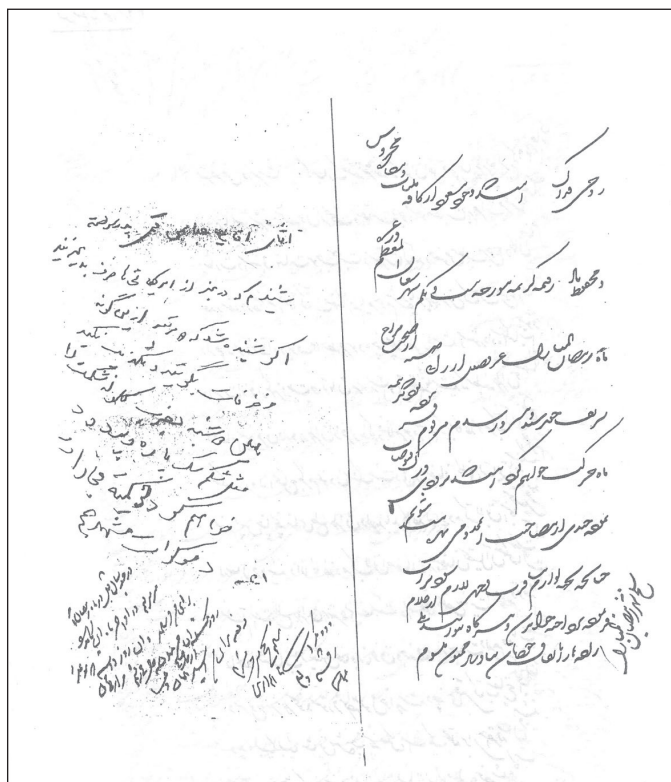
عربی است. گویا اول به عربی نوشته و بعد ترجمه آن را برای مرحوم خیابانی فرستاده است، و یا به فارسی بوده، و آن را به عربی برگردانده تا اگر برای درج در کتابی عربی مورد نیاز بود همان را بدهد یا بفرستد. آنچه در این شرح حال اضافه دارد این است که می‌نویسد: به طور خلاصه سنم از پنجاه گذشته است، و قصد دارم در این مشهد شریف توطن کنم، چون دلم لبریز از شوق مجاورت این امام مظلوم است. بیشتر عمر من در سفر و انقطاع از تاب و اسفار گذشت، معذک کتاب‌های بسیار از من بروز کرده است، از جمله... و در حاشیه می‌نویسد: «من توفیق یافتم که در سال ۱۳۴۸ برای چهارمین بار به حج بروم، و از خداوند متعال امیدوارم که بدین وسیله مرا از فشار قبر ایمن گرداند، زیرا وارد شده که: «مَنْ حَجَّ أَرْبَعَ حَجَجٍ لَمْ تُصَبِّهِ ضَغْطَةُ الْقَبْرِ ابْدًا»^۴

پس از این تاریخ، مرحوم شیخ عباس قمی یازده سال دیگر زیست و آثار مهم دیگری تألیف کرد. وی اساساً کثیر السفر بود و از شام تا هندوستان را سیر کرده و بلاد و اقلیم‌های فراوان را دیده و با مردمان بسیاری آشنا شده بود. اما شگفت آن که این سیاحت‌ها و سفرها هیچ‌گاه مانعی در راه تحقیقات و تفحص‌های وی به وجود نمی‌آورد، بلکه او را در آشنایی با منابع و موضوعات و مسائل تازه راغب‌تر می‌کرد. بیشترین سفرهای او به جز حج بیت‌الله، سفرهایی به عتبات عالیات در عراق بوده است. او در مدت اقامت ۲۲ ساله‌اش در مشهد، زمستان‌ها را به عتبات می‌رفته، از کتاب و کتابخانه‌های غنی نجف در آن دوران بهره می‌برده و مصاحبت علمای بزرگی همچون آیت‌الله میلانی و آقا سید حسن صدر و ... نیز به او در تحقیق و تألیف کمک می‌کرده است. مهم‌ترین کار او در این ایام، تألیف و تهذیب اثر بزرگ علامه مجلسی بود که سرانجام با عنوان سفینه البحار منتشر شد.

مرحوم محدث قمی، سرانجام در سال ۱۳۵۴ قمری مطابق ۱۳۱۴ خورشیدی که واقعه مسجد گوهرشاد در مشهد رخ داد، همراه با مهاجرت اجباری آیت‌الله قمی به عتبات، همراه خانواده راهی عراق شده و تا پایان عمر در آن دیار باقی ماند. درباره وی باید افزود که هنگام تحصیل در قم، و نزد حاج میرزا محمد ارباب قمی و اساتید برجسته دیگری تلمذ می‌کرد و در سال ۱۳۱۶ هجری قمری که به عتبات رفت در حوزه نجف اشرف به درس علما و مراجع بزرگ شیعه راه یافت؛ از جمله آیت‌الله سید محمد کاظم یزدی صاحب عروة الوثقی، و بیش از همه، از محضر حاج میرزا حسین نوری، استاد جامع و یگانه حدیث و رجال و درایه بهره گرفت و این تحصیل و شاگردی بدان جا رسید که از میرزا حسین نوری اجازه حدیث دریافت کرد. البته اجازات دیگری نیز از مرحوم سید حسن صدر مؤلف کتاب تأسیس الشیعه و میرزا محمد ارباب نیز داشت که همگی به جلالت و فضیلت از وی یاد کرده و دانش وی در علوم روایی را ستوده‌اند. به جز این‌ها، او نزد اغلب علمای عصر خود تحصیل یا مباحثه کرده و کثیری از عالمان بزرگ، دوستانش بوده یا از شاگردان وی محسوب می‌شده‌اند. مرحوم شیخ عباس قمی، دوبار ازدواج کرد. همسر اولش دختر سید زکریا قزوینی، از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بود که با وی سازگار نبود و به ناچار این وصلت به طلاق انجامید. همسر دوم وی دختر آیت‌الله حاج احمد طباطبایی و برادر زاده مرحوم آیت‌الله حاج آقا حسین قمی بود و چهار فرزند ایشان، دو پسر و دو دختر، حاصل این ازدواج بوده است، هر دو پسر او روحانی و از علمای خوشنام و شایسته عصر محسوب می‌شدند.

محدث نامی حاج شیخ عباس قمی، معروف به ثقة المحدثین در شب سه‌شنبه ۲۳ ذی حجه سال ۱۳۵۹ هجری قمری این جهان تنگ و محقر را وانهاد و به ملکوت سفر کرد. بر پیکر او در نجف اشرف، مرجع بزرگ شیعه آیت‌الله ابوالحسن اصفهانی نماز گزارد و مزارش در صحن امیرالمؤمنین علی (ع)، جنب مقبره استاد دانشورش محدث نوری است.

آثار مرحوم حاج شیخ عباس بسیار پرتعداد است. او ذوقی عالی در نگارش فارسی و عربی، و تدوین و انسجام مطالب داشت. ایشان در کتاب شریف فوائد الرضویه که اثر جامع و دائرةالمعارف در تراجم احوال و تذکره علمای شیعه است، در ذیل نام خود:



«عباس ابن محمدرضا بن ابی القاسم قمی - مؤلف کتاب» ذکرى آورده که اغلب به نام و توضیح کتاب و آثارش پرداخته است. البته فروتنی وی در حذف تذکره خود در ابتدای مطلب نیز همان نشان خشیتی است که از فضل برآید. در این جا این نوشته مرحوم حاج شیخ عباس را برای آشنایی با آثار وی، عیناً از همان منبع ذکر می‌کنیم:

«همانا چون این کتاب شریف در بیان احوال علماست، شایسته ندیدم که ترجمه خود را که احقر و پست‌تر از آنم که در عداد ایشان باشم، در آن درج کنم، لهذا از ذکر حال خود صرف‌نظر کرده اکتفا می‌کنم به ذکر مؤلفات خود:

ولادتم ظاهراً سنه ۱۲۹۴ [است] و مؤلفاتم تا حال - که سنه ۱۳۳۳ است و سنین عمرم در حدود چهل سال است - بر چهار قسم است:

قسم اول: کتاب‌هایی که طبع شده و نسخه‌اش منتشر است:
کتاب الفوائد الرجیبة فيما يتعلق بالشهور العربیة مشتمل بر وقایع ایام و جمله اعمال شهر و این کتاب اول تصنیفات داعی است و نسخه چاپی آن هم به خط خود احقر است؛
کتاب الدرّة الیتمیة فی تتمات الدرّة الثمینیة شرح نصاب الصبیان است و تتمیم شرح نصاب فاضل یزدی است؛



کتاب مختصر الابواب فی السنن و الآداب مختصر حلیة المتقین است؛
کتاب هدیه الزائرین و بهجة الناظرین مشتمل بر زیارات حجج طاهره (ع) و مقامات شریفه و قبور علما که در مشاهده مقدسه است و اعمال مشهور و اعمال اسبوع و اعمال شبانه‌روز؛

کتاب اللّثالی المنصوره فی الاحراز و الاذکار المأثوره؛
کتاب الفصول العلیة فی المناقب المرتضویه؛
کتاب سبیل الرشاد در اصول دین؛
حکمة بالغه و مائة کلمة جامعه؛
شرح صد کلمه از کلمات حضرت امیرالمؤمنین (ع)؛
کتاب ذخیره الابرار فی منتخب انیس التجار؛
رساله‌ای در گناهان کبیره و صغیره؛
غایة القصوى، ترجمه کتاب عروة الوثقی از اول کتاب طهارت تا احکام اموات و از کتاب صلاة تا مبحث ستر و ساتر؛
و مفاتیح الجنان و الباقيات الصالحات؛
و تحفة طوسیة و نفحة قدسیة؛
و رساله دستورالعمل؛
و نفس المهموم و نفقة المصدور؛
و انوار البهیة؛
و منازل الآخرة؛
و ترجمه مصباح المتعبد در حاشیه آن؛
و نزهة النواظر فی ترجمة معدن الجواهر؛
مقامات علیه - مختصر معراج السعادة - ؛
ترجمه جمال الاسبوع در حاشیه آن؛
کتاب منتهی الآمال فی ذک مصائب النبی و الاکل علیه السلام؛
ترجمه مسلک دوم ملهوف در حاشیه آن به خط احقر؛
تتمیم تحیه الزائر شیخ مرحوم ثقة الاسلام محدث نوری - عطرالله مرقدہ - و این جمله غیر از فوائد الرجیبه

فارسی می‌باشد؛

الکنى و الالقاب؛

چهل حدیث؛ و هدیه الاحباب.

قسم دوم: کتاب‌هایی که به مرکب چاپ نوشته شده و نزدیک است طبع شود و امید است که به همین



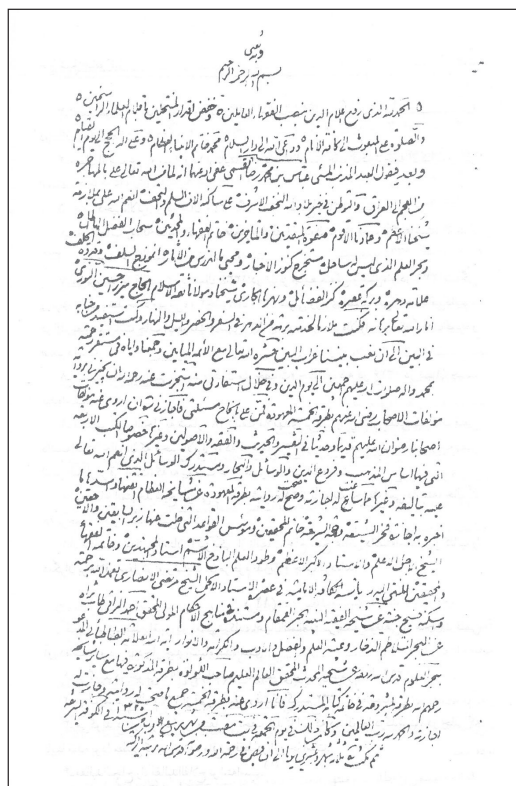
زودی از چاپ خارج گردد - ان شاء الله تعالی - کتاب فیض العلام فی وقایع الشهور و عمل الایام؛ کتاب هدایة الانام الی وقایع الایام - مختصر فیض العلام است ؛ - کلمات لطیفه.

قسم سوم: کتاب‌هایی که تمام شده تألیف آنها و هنوز کسی درصدد طبع آنها برنیامده: رساله‌ای در طبقات کتاب تحفة الاحباب فی نوادر آثار الاصحاب (در احوال صحابه حضرت رسول و اصحاب ائمه هدی - صلوات الله علیهم اجمعین - به ترتیب حروف تحجی)؛ کتاب کشکول؛ کتاب الدر النظیم فی لغات قرآن العظیم؛ کتاب نقد الوسائل (باب وسائل است) - و تتمیم بدایة الهدایه شیخ اجل محدث شیخنا الخیر العالمی است؛ کتاب شرح الوجیزه شیخ بهایی - رحمه الله علیه -؛ کتاب فیض القدر فیما یعلق بحديث الغدير - و آن مختصری است از جلدین غدير عیقات الانوار سید محدث علام متکلم محقق مرقق، مؤید مسدد محیی السنه و سیف الامه، فخر الشیعه و حامی الشریعه، سیدنا الاجل مولانا المیر حامد حسین الهندی - اسکنه الله بحبوه جنانه

و حشرنا تحت لوائه -؛ کتاب علم الیقین - مختصر حق الیقین تصنیف مولانا العلامة المجلسی؛ کتاب الفلاح فی عمل الیوم و الیلة؛ کتاب مقلاد النجاح مختصر آن؛ کتاب مختصر مجلد یازدهم بحار الانوار؛ کتاب شرح کلمات قصار حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که در باب آخر نفع البلاغه مکرمه است؛ کتاب مختصر الشمائل ترمذی؛ کتاب کحل البصر فی سیره سید البشر؛ قره الباصره فی تاریخ الحجج الطاهرة؛ کتاب سفینه البحار و مدینه الحكم و الآثار و این کتاب کبیری است که به منزله فهرست و مختصر مجلدات بحار الانوار است به وضع عربی و به ترتیب حروف تهجی اخیراً به طبع رسیده.

قسم چهارم: کتاب‌هایی که ناتمام است و از حق تعالی امیدوارم که توفیق اتمام آنها را عنایت فرماید. کتاب ضیافة الاخوان؛ کتاب صحائف النور فی عمل الایام و السنة و الشهور؛ کتاب ذخیره العقبی فی مثالب اعداء الزهراء (س)؛ مسلی المصاب بفقد الأعزّة و الاحباب؛ الآیات البینات فی اخبار امیر المؤمنین (ع) عن الملاحم و الغایات؛ و این دو کتاب نسخه‌اش مفقود شده؛ شرح صحیفه سجادیه؛ مختصر دارالسلام فیما یعلق بالروایا و المنام - موسوم به غایة المرام فی تلخیص دارالسلام؛ شرح (ربیعین حدیث؛ تعریب زاد المعاد؛ و تحفة الزائر؛ مجموعه شبیه به کشکول، موسوم به الفوائد الطوسیه؛ الی غیر ذلک من الرسائل و المؤلفات المختصرة.

غالب این کتاب‌ها نسخه‌اش مفقود شده است و الحمدلله



وحده و صلى الله على محمد و عترته الطاهرة»^۵.

باری، این نمایی کلی و شمایی مختصر از زندگی و آثار محدث بزرگ حاج شیخ عباس قمی است که عمدتاً به قول و قلم او فراهم آمده است. واپسین کلمات و جستارها برای درک مقام و اهمیت این عالم برجسته را از زبان برخی اعظام، مراجع، علما و برجستگان معاصر نقل می‌کنم با ذکر این نکته که کارنامهٔ مکتوب و کتب شیخ عباس قمی بسیار فراتر از آن است که خود ذکر کرده و قریب به یک‌صد اثر را در بر می‌گیرد.

شیخ آقا بزرگ تهرانی، صاحب الذریعه که از دوستان نزدیک و هم‌درس و هم‌حجرهٔ شیخ عباس قمی بود در جلد سوم الکفی و الاقلاب نوشته است:

«من سه سال جلوتر از محدث قمی به نجف اشرف وارد شدم، و دو سال زودتر از ایشان به حوزه درس محدث نوری راه یافتم، از همه عالمان بیشتر، با محدث قمی مانوس و محشور بودم و مدت‌ها در حجرهٔ یکی از مدارس علمی نجف اشرف، زندگی می‌کردیم، در این مدت او را انسانی نمونه کامل، دانشمند و فاضل یافتم. و به‌راستی که عنصری ارزشمند، پروا پیشه، فروتن، خوش اخلاق، پارسا ... و سلیم النفس بود ... او همواره مشغول نوشتن بود. عشق فوق‌العاده‌ای به نوشتن و تحقیق و تدوین داشت به طوری که هیچ امری نمی‌توانست او را



از این کار باز دارد، تا این که پس از مراجعت از سومین سفر روحانی حج، بعضی از علما از معظم له خواستند تا برای تحکیم و گسترش حوزه علمیه قم در کنار آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری بماند، او را اجابت کرد و در قم ماند و از اصحاب آیت‌الله حائری بود و به عنوان یکی از یاران مخلص و با وفای او خوانده می‌شد. صاحب اعیان الشیعه علامه سید محسن امین در جلد هفتم آن دائرةالمعارف بزرگ، محدث قمی را با عناوین عالم، فاضل، محدث، واعظ، عابد و زاهد معرفی کرده است و مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی در مقدمه مفاتیح‌الجنان (طبع فراهانی) نوشته‌اند: «علامه بحاثه نقاد» مؤلف و نویسنده کتب بسیار، دانشور بزرگوار و بلند مرتبه، راهنمای آگاه در علم حدیث

... دانا و متبحر در نقل احادیث ...»

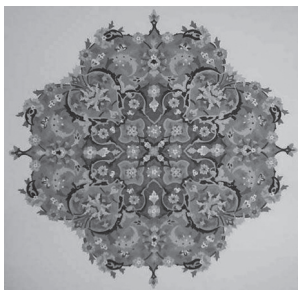
و مرحوم علامه شیخ عبدالحسین امینی صاحب الغدير در جلد اول آن اثر، به مناسبت ذکر کتاب فیض القدير فیما يتعلق بحديث الغدير اثر مرحوم محدث قمی می‌نویسد:

«... مؤلف از نوابغ و بزرگان علم حدیث است و در عصر حاضر در فن تألیف، مقام ارجمندی را احراز نموده

و خدمات او در این راه بر احدی پوشیده نیست.»

مرحوم استاد آیت‌الله حاج میرزا ابوالحسن شعرانی نیز شیخ عباس قمی را چنین وصف و ستایش کرده است:

«وی ادیبی بارع و محدثی خبیر و مطلع و در ضبط دقیق و در فارسی و عربی فصیح و مردی با ذوق و خالی از تعصب و شجاع بود و مایل بود از آثار خود مردم را بهره‌مند گرداند و از ضبط مطالبی که فایده کمتر داشت احتراز می‌جست و در نقل حدیث و تواریخ به طریقت قدما می‌رفت و به مضمون «الحکمة ضالة المؤمن حیثما وجدها اخذها» - حکمت گمشده مؤمن است هر جا که پیدایش کند دریافت می‌کند - سخن حق را از هر کس می‌شنید می‌گرفت خوف نداشت.»^۶



مرحوم استاد دکتر احمد مهدوی دامغانی در خاطره‌ای فرموده‌اند که مرحوم فروزان فر «... یک روز در کلاس دوره دکتری به مناسبت آن که مرحوم دکتر معین در فهرست مراجع کتابی که تألیف کرده بود از مرحوم خلد آشیان محدث قمی قدس سره یاد و کلمه «عباس قمی» نام برده، و این «ترک اولی» ی ادبی او به نظر انور فروزان فر رسیده بود، سخت برافروخت و برآشفته که: «این چه طرز نام بردن بزرگان است، و اضافه فرمود که من بسیار حسرت و افسوس می‌خورم که چرا با آن که امکان داشتیم، از محضر پربرکت سه استاد بزرگ منحصر در فن خود آن چنان که باید فیض نبردم، و این سه تن مرحوم ثقة‌المحدثین آقای حاج شیخ عباس قمی محدث متبحر، مرحوم آقا حسین نجم‌آبادی فقیه اصولی، و مرحوم آقا میرزا طاهر تنکابنی حکیم متکلم معروف رضی الله عنهم می‌باشند.»^۷

یادداشت‌ها:

۱. یادگار (مجله)، سال پنجم، شماره هشتم و نهم، فروردین و اردیبهشت ماه ۱۳۲۸، ص ۶۶ مرحوم علی دوانی در باب عبارت علامه قزوینی توضیح داده است که ایشان «دو لغزش قلمی دارد که یادآور می‌شویم: ۱. می‌نویسد: «تولدش در دهه آخر قرن سیزدهم هجری قمری در نجف اتفاق افتاده» که باید می‌نوشت «ظاهراً در ۱۲۹۴» در قم اتفاق افتاده است و ۲. می‌نویسد: «وی روز چهارشنبه بیست و سوم ذی‌الحجه» که صحیح در وفات محدث قمی شب سه‌شنبه است». مفاخر اسلام، علی دوانی، جلد یازدهم، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۷، بخش یکم، ص ۵۱۷

۲. محدث قمی، این متن را به تقاضای ملاعلی خیابانی تبریزی برای درج در کتاب علماء معاصرین در سال ۱۳۴۶ هـ ق تحریر کرده که در سال ۱۳۶۶ منتشر شده است. این متن را مرحوم استاد علی دوانی به همراه تکمله‌ای که شیخ عباس قمی در سال ۱۳۴۸ بدان افزوده، در جلد یازدهم مفاخر اسلام آورده است. همان، صفحات ۳۴۳ تا ۳۴۶. ما به نقل از دوانی آورده‌ایم.

۳. علماء معاصرین، ص ۱۸۱، مفاخر اسلام، صفحات ۳۴۴ تا ۳۴۶.

۴. یعنی هر کس چهار بار به حج برود فشار قبر نخواهد دید. مفاخر اسلام، ص ۳۴۶

۵. الفوائد الرضویه فی احوال علماء المذهب الجعفریة - سرگذشت عالمان شیعه - خاتم‌المحدثین حاج شیخ عباس قمی، تحقیق ناصر باقری بید هندی، مؤسسه بوستان کتاب قم، چاپ اول ۱۳۸۵، جلد اول، صفحات ۳۷۷ تا ۳۸۰

۶. همان، به نقل از مقدمه دمع السجوم فی ترجمه نفس المهموم، ص ۱۵۷

۷. کلک (مجله)، فروردین تا خرداد ۱۳۷۴، شماره ۷۳ تا ۷۵. یادواره فروزانفر، مقاله دکتر احمد مهدوی دامغانی ص ۲۰۱

